



بسم الله الرحمن الرحيم

احتمالات موجود در متعلق اجتناب

مبحث دهم در ذیل آیه شریفه ۹۰ سوره مائده، این بود که دو احتمال در باب متعلق اجتناب هست برای اینکه در میسر دو احتمال بود:

- اگر میسر را در آیه به معنای عمل و فعل قمار بگیریم اجتناب هم تعلق به فعل قمار می‌گیرد و معنای آیه این می‌شود که نباید مرتکب قمار شد یک نهی و یک تکلیف است که منع از عمل قمار می‌کند.
- احتمال دوم این بود که میسر به معنای آلات قمار باشد در این صورت، اجتناب هم تعلق به آلات قمار می‌گیرد و چون نهی از عین، مستقیم، معقول نیست حتماً مقصود عملی است که متعلق به آن فعل و به آن عین می‌شود بنا بر احتمال دوم در این صورت آن عمل اطلاق دارد فقط شامل بازی با آلات قمار می‌شود در احتمال اول می‌گوید که اجتناب، به خود عمل تعلق گرفته است یک حکم است ولی در احتمال دوم اجتناب تعلق به عین گرفته است و اجتناب از عین یعنی اجتناب از اعمال متعلق به عین، در آیه یک عمل اسم برده نشده است، بلکه حذف متعلق دلیل بر اطلاق و عموم است می‌گوید از این عین، اجتناب بکن یعنی هر عملی که با آن ارتباطی برقرار می‌کنی ترک بکن.

سؤال: این اجتناب ضمیرش به تک تک این‌ها برمی‌گردد یا به رجس برمی‌گردد؟

پاسخ: با واسطه به رجس برمی‌گردد و مصادق رجس تک تک آن‌ها است؛ و الا از نظر ادبی ضمیر اجتنابوا، به رجس برمی‌گردد، در این صورت یکی از مصادیق آن میسر است.

نتیجه احتمالات

در نتیجه، دو احتمال در بحث قبل، در اینجا خیلی اثر دارد برای اینکه اگر میسر به معنای خاص باشد و فقط فعل باشد اجتناب هم یک حکم را بیان می‌کند خیلی صریح بیان می‌کند که از این کار اجتناب بکنید یعنی بازی قمار انجام نشود بردو باخت انجام ندهید اما بنا بر احتمال دوم، می‌گوید که از این عین و شیء خارجی که آلات قمار باشد اجتناب بکنید. مصادیق آن یکی این است که بازی بردو باخت با عین خارجی نشود؛ یکی این است



که آن را نسازد، یکی این است که خرید و فروش نکند؛ یکی این است که در خانه آن را حفظ نکند این‌ها همه افعالی است که متعلق به این عین است، اجتنبوا هم که نگفته است که این عمل را انجام ندهید می‌گوید از این عین اجتناب بکنید اجتناب از عین هم یعنی همه منافع آن را تحریم می‌کند، نظیر «اجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» می‌شود، آنجا هم این‌طور است وقتی می‌گوید «اجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ»، معنایش این نیست که از بت پرستی اجتناب بکنید، لا تشرکوا بالله که نیست، می‌گوید از این اعیان اجتناب بکنید اجتناب از این اعیان، یعنی نپرستید، نسازید، نخرید، نفروشید، این تفاوت مهمی است که آن دو معنا در اجتنبوا خودش را نشان می‌دهد.

از بین چهار احتمال در مفهوم میسر که به معنای عمل القمار، آلات القمار یا استعمال در هر دو معنا باشد و یا به معنای ما یتراهن به و مالی که مأخوذ است، البته احتمالات بیش از این چهارتا است - احتمال دوم را پذیرفتیم گفتیم میسر در اینجا آلة القمار، است در این صورت نتیجه ظاهر می‌شود که اجتنبوا از هر عمل متعلق به عین منع می‌کند ضمن اینکه حکم قماربازی را منع می‌کند چند حکم دیگر هم از این قابل استفاده است این جمله بیشتر، حالت یک قاعده مانند پیدا می‌کند، برای اینکه احکامی از این استفاده می‌شود.

گفتیم اینجا یک شبهه‌ای وجود دارد که درست است طبق روال ظهوری که جلو بیایید مفهوم اجتنبوا الرجس من الاوثان، یا اجتنبوا آلات القمار، مفهومی است که حکم عام از آن استخراج می‌شود، یعنی هر نوع ارتباط با آن را منع می‌کند، منتهی این اطلاق است از آیه استفاده می‌شود که همه اعمال مرتبط و متعلق به این عین منع می‌شود قطعاً نمی‌توانیم به این شمول و اطلاق، مستلزم بشویم، در «اجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ»، هم می‌گفتیم قطعاً نمی‌شود به اطلاق این عمل کرد می‌گوید با بت هیچ ارتباطی برقرار نکنید یعنی حتی نگاه انداختن به آن هم اشکال دارد، اینجا آن اشکال واضح‌تر است، ممکن بود بگوییم در بت آن قدر شدید است که می‌گوید نگاه هم نکن، (البته کسی آن را نمی‌گوید) ولی قطعاً چیزهایی است که آن اشکال را ندارد. این‌طور نیست که بگوییم به آلات قمار و این‌ها حتی نگاه نکن این اطمینان برای ما وجود دارد که این اطلاق مقصود و مراد نیست بلکه شبهه بود.

در پاسخ به آن‌یک، بحث اصولی کردیم که اطلاقاتی که ما داریم دو نوع است:



- پاره‌ای از اطلاقات داریم که همان حالت طبیعی دارد و به اطلاق آن عمل کردن مواجه با مشکلی و ضرورت خلافی نیست، ظهور دارد که اکرم الزید، جاهایی هم با دلیل لفظی یا لبی مقیدی دارد این کم له من نظیر،

- نوع دوم اطلاق جاهایی است که ما مطلقاً داریم که دست هرکس بدهی می‌گوید که ضرورت قاطعی وجود دارد که نمی‌تواند شمول داشته باشد، نعلم بعدم اطلاقه لجميع الافراد، اطمینان داریم که اجتناب از این آلات قمار به معنای مطلق آن، نمی‌تواند حفظ بشود، برای اینکه قطعاً نگاه کردن به آن، یا دست زدن به آن، مقصود نیست و داخل در اطلاق نیست، بلکه اطلاق در اینجا از نوع دوم است از مطلقاتی است که نعلم به خروج مصادیق و افرادی از آن، هیچ لفظی یا دلیلی، نیامده است ولی یک فضای فقهی وجود دارد که مطمئن هستیم این مصادیق داخل در این مطلق نیست. مواردی از این قبیل داریم.

نظریات اصولی

از نظر اصول دو نظریه وجود دارد که مع‌الأسف در یک فصل اصولی ذکر نشده، ولی در مباحث اصولی متعرض شده‌اند. (اگر خدا توفیقی بدهد به بحث اطلاق و تقیید که برسیم این بحث را به عنوان یک فصل و موضوع مستقل مورد بحث قرار خواهیم داد).

از آن دو نظریه، یک نظر می‌گوید که در این نوع موارد همین که مطلق دیدید، یقین دارید که مواردی از آن بیرون رفته است بدون این که هیچ دلیل لفظی در کار باشد مقدمات حکمت اینجا جاری نمی‌شود، می‌گوید اینجا اطلاقی نیست. جایی که یقین داری خارج شده است معلوم است که نمی‌گیرد جاهایی که شک دارید هم نمی‌توانید به این اطلاق تمسک کنید، برای اینکه اطلاق، مبتنی بر مقدمات حکمت است که یکی از آن‌ها عبارت است از اینکه مولی در مقام بیان است، ولی وقتی که می‌بینیم قطعاً مواردی در این وارد نیست مطمئن می‌شویم، لازم نیست مطمئن هم بشویم - شک داریم که مولی در اینجا در مقام بیان از حیث جمیع قیود است یا نیست؛ و لذا مقدمات حکمت یعنی مقدمه‌ای که می‌گوید مولی در مقام بیان است و باید احراز بکنیم که مولی در مقام بیان است.



مقدمات حکمت

مقدمات حکمت در اصول

۱- یکی این بود که احراز بکنیم مولی در مقام بیان است، مواردی داریم که یقین از آن خارج است اینجا، در مقام بیان بودن مقدمه، سست می‌شود لازم هم نیست که یقین داشته باشیم که در مقام بیان نیست، همین‌که شک کردیم در مقام بیان است یا نیست دیگر پایه‌های اطلاق فرومی‌ریزد و نمی‌شود به این تمسک کرد. این نظریه می‌گوید مقدمات حکمت اینجا تام نیست و در موارد شک، دیگر نمی‌شود به این مطلق تمسک کرد فقط باید قدر متیقنش را بگیریم که همان بازی است، در این صورت نتیجه این احتمال با آنکه می‌گویند میسر به معنای فعل قمار است یکی می‌شود. اگر کسی این قول را بپذیرد که مرحوم استاد تبریزی رحمه الله علیه این طور می‌فرمودند، اجتنبوا، حتی اگر به میسر و آلات قمار هم تعلق بگیرد مثل میسر به معنای فعل قمار است برای اینکه آنجا بنا بر احتمال دوم از اول مخصوص فعل قمار بود ولو اینکه ابتدا اطلاقی به ذهن می‌آید ولی پای این اطلاق محکم نیست و باید قدر متیقن بگیریم، قدر متیقن همان بازی قمار می‌شود و هر دو احتمال یکی می‌شود، این نظریه اول که مبتنی بر آن دیدگاه اصولی است که عرض کردم.

۲- نظریه دوم اصولی در این نوع موارد (مطلقاتی داریم که بدون هیچ دلیل لفظی یقین داریم که این شمول ندارد) این است که آنجاهایی که یقین دارید خارج شده است جای خودش، یک وقتی خروج مواردی با مقید لفظی است یک وقتی هم با ارتکازات است و ما یقین داریم که این‌ها از آن خارج شده است، این موجب نمی‌شود که مقدمات حکمت سست بشود، بلکه مقدمات حکمت بر جای خودش باقی است و می‌شود به آن تمسک کرد و خروج یقینی بعضی از موارد با این علم خارجی مثل خروج مواردی است از مطلق با دلیل لفظی، اگر گفته است: «أکرم العلماء»، بعد دلیلی آمده است گفته: لا تکرّم العالم الفاسق، این به مقدمات حکمت ضرر نمی‌زند می‌گوییم فقط در این حد در مقام بیان نبوده یا اگر بوده در مقام اراده جدی بیرون برده است، اما در غیر آن باقی است.

مثل خروج لفظی، مقیدات لفظی، اگر گفته است: «أکرم العلماء»، بعد می‌گوید: لا تکرّم العالم الفاسق، باینکه یک قسمی از علماء اینجا رفت بیرون، باز ما به عموم و اطلاق آن تمسک می‌کنیم در سایر مواردی که شک



داریم و خروج یکی از مصادیق و مواردی از اطلاق، مانع از انعقاد مقدمات حکمت نمی‌شود اینجا هم همین‌طور است. این هم نظریه دوم بود.

به این تمسک اطلاق می‌کنیم یعنی مقدمات حکمت که تمام است فقط آنجایی که یقین داری کنار می‌گذاری، اما در چیزهای دیگر به حال خودش باقی می‌ماند، در بحث ما هم این‌طور است آنچه یقین داریم این است که به آلات قمار دست بزنند یا نگاه بکنند، اما این‌که بسازد، بخرد، بفروشد شک داریم که این اطلاق می‌گیرد یا نمی‌گیرد؟ می‌گوییم بنا بر احتمال دوم در مقام بیان است و آن را می‌گیرد. اجتناباً از این آلات، هم عمل بردو باخت و بازی را می‌گیرد هم مثل خرید و فروش و چیزهای دیگر که شک داریم و می‌گوییم اطلاق دارد، مقدمات حکمت درست است و این را می‌گیرد و خروج مواردی از اطلاق قطعاً مضر به انعقاد مقدمات حکمت و اطلاق نمی‌شود. این هم نظر دوم است.

۳- عرض ما نظر سوم است که تفصیل در مسئله است و آن تفصیل این است که در دو حالت مقدمات حکمت به این شکل، در اصول گفته نشده یا شاید کسی گفته است، ما قائل به تفصیل هستیم نه نظریه اولی که معتقد است به عدم وجود الاطلاق رأساً، نظریه دوم که می‌گوید اطلاق، اینجا وجود دارد فقط جاهای یقینی را کنار می‌گذارید، بقیه را شامل می‌شود عرض ما این است که نظر سوم درست است که حالات مواردی که اطلاقی وجود دارد و یقین داریم مواردی از آن خارج است فرق دارد، یک وقتی آثار واضح و بین، آن‌هم به صورت کثیره‌ای که یقین داریم اطلاق، آن را نمی‌گیرد مثلاً امر به اجتناب از ساعت می‌کند که یقین داریم که آثار بارزه اجتناب از ساعت، در این نیست، فقط به طور مثال با این ساعت بخواهد برای یک معصیتی وقتی تعیین بکند و اکثر آثار یا کثیری از آثار واضح این شیء که بارز است یقین داشته باشیم. این نوع موارد از این اطلاق خارج است. این یک شق است. در این شق اول، اطلاق و مقدمات حکمت تمام نیست یعنی از اول مطلقاً گفته است ولی می‌بینم که چقدر کارهای واضح و آثار متعدد بارزی در این مورد است و یقین داریم که شرع آن را منع نکرده است اینجا از اول اطلاق معلوم است. این جمله اشاره به بحث خاص و قدر متیقنی دارد و می‌خواهد این را بگیرد بیش از آن اطلاقی تمام نیست، این قسم اول است؛ اما در مواردی که اطلاق مجموعه‌ای از آثار و مصادیقی دارد که از آثار واضح هم نیست، یقین داریم که اینجا داخل در اطلاق نیست، بقیه اطلاق تمام است. برای اینکه مقدمات حکمت می‌تواند اینجا تمام بشود مولی مطلقاً گفته است دو تا سه مورد هم از آثار غیر واضح است چون از این خارج است، (نگفته که خارج است)، اتکای به آشکار بودن قصه کرده است، طوری



هم نیست که خروج این‌ها استهجانی در اطلاق درست بکند، عرفاً نمی‌گوید این مطلق مستهجن شده است، مستهجن نیست، درست است دو سه تا مورد خارج شده است ولی خروج آن‌ها، موجب نوعی استهجان در این اطلاق نمی‌شود یعنی عرف می‌گوید می‌تواند مطلق بگوید در عین اینکه یقیناً این‌ها از آن خارج است، این باشد، به نظر می‌آید اطلاق تمام می‌شود.

نظر مختار

ما نظر سوم را می‌گوییم، البته تفصیل مسئله دقائق و ظرایفی دارد که بیشتر باید در اصول گفت. پس در این نوع موارد:

یک نظر این است که اطلاق مطلقاً، قابل ۱۹/۳۰ نیست؛

یک نظر این است که در موارد مشکوک مطلقاً قابل قبول است؛

و نظر سوم این است که در جایی که خروج قطعی مصادیق طوری است که موجب استهجانی در اطلاق نمی‌شود، می‌شود به اطلاق تمسک کرد ولی اگر طوری است که عرف خیلی نمی‌پسندد می‌گوید بعد از اینکه این‌ها از مطلق بیرون رفت دیگر مطلق گفتن خیلی مستحسن نیست اینجا دیگر نمی‌شود به اطلاق تمسک کرد، در این صورت اگر این را بپذیریم که اجمالاً گفته بودیم در این صورت هم در «اجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ»، هم در اجتنبوا امروز، آیه شریفه ۹۰ سوره مائده می‌گوییم که اینجا استهجانی در کار نیست برای اینکه وقتی می‌گوید «اجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ»، واضح است آن می‌تواند در آیه باشد، این‌که بیرستد بخرد، بفروشد بسازد، این‌ها واضح است آن است اما اینکه نگاهی بیندازد، دستی به آن بزند این چیزی نیست که اطلاق را، مستهجن یا سست بکند در اینجا هم همین‌طور است، آثار بارز اینجا که می‌تواند اطلاق آن را بگیرد این است که وقتی می‌گوید از آلات قمار اجتناب بکن یعنی با این وسایل برای برد و باخت بازی نکن، خرید و فروش نکن، معامله نکن، چیزهایی که اعمال خیلی دوری است و به آن تعلق می‌گیرد، نگاه کردن، دست زدن بیرون برود، به نظر می‌آید، مقدمات حکمت را خیلی سست نمی‌کند.

سؤال: تشخیص اینکه کدام‌ها خارج است کدام‌ها نیست چگونه است؟

پاسخ: این قاعده دارد، آنجایی که یقین داری خارج است هیچ، در بقیه به اطلاق تمسک می‌کنی مثل همه موارد که به اطلاق تمسک می‌شود یک بحث مشترک است.

(سؤال: خروج قطعی بعضی موارد، اینجا می‌شود به اطلاق تمسک کرد؟)



نتیجه بحث دهم

فتحصل مما ذكرنا في الامر العاشر:

- بنا بر احتمال دوم در میسر که -آلات قمار است-، درست بود؛ اجتنبوا هم به آن تعلق گرفته است و حکم اجتنبوا اینجا یک مقدار اوسع از اجتنبوا در قول اول است،
- اجتنبوا بنا بر احتمال اول، فقط می گوید ارتکاب قمار گناه هست، اما اجتنبوا دوم، دایره وسیع تری دارد، آلات قمار، ساخت و ساز و خرید و فروش آن را هم می گیرد این تفاوتی است که اینجا بود.

بحث بیشتری و کمتری و کمی فقط ملاک نیست عمده این است که عرف به حدی برسد که بگوید که این مستهجن است مثلاً مطلق بگوید ولی این ها همه بیرون باشد، به این حد برسد یا نرسد تابع موردی است و باید ببینیم عرف به این حد می بیند و تشخیص می دهد یا نمی دهد خیلی نمی شود عدد ورقمی را اینجا بیان کرد. گاهی است که کیفیت یک مصداق روی این اثر می گذارد ولو اینکه کم است یا زیاد است به تفاوت کمی و کیفی باید موردی توجه کرد.

سؤال: با بحث اقرب المجازات می شود جواب داد؟

اقرب المجازات هم یک ملاک شبیه این دارد ولی وجوه ممیزه ای هم دارد که ورود در آن ما را به بیراهه می برد.

نظر مختار

این هم بحث دهم در آیه شریفه است بنا بر نظر ما این آیه مقداری فراتر از حکم است و عمل قمار به چیزهای دیگری هم توجه دارد. این بحث ها دشواری ما را در بحث های بعدی کم می کند.

بحث یازدهم: آیه شامل بازی با غیر آلات قمار هم می شود یا نه؟

بحث یازدهم در آیه، (که آینده باید این را می گفتیم)، ولی ذیل آیه می گوئیم بعد به همین جا، ارجاع می دهیم. بحث یازدهم این است این آیه بازی با غیر آلات قمار را هم می گیرد یا نمی گیرد، برد و باختی که با آلات معده



للقمار نیست مثلاً کتابی، فرشی، تسبیح و امثال این که آلات قمار نیست، اتفاقی با این کتاب یا با هر چیز دیگری غیر از آلات قمار بردو باختی داشته باشند این هم می تواند مشمول آیه شریفه می تواند باشد یا نه؟

احتمالات موجود در بحث یازدهم

اینجا هم ممکن است بگوییم دو احتمال میسر که عمل یا آلات باشد روی این اثر می گذارد به این بیان که:

۱- اگر ما میسر را به معنای آلات قمار گرفتیم، در این صورت آیه شامل غیر آلات قمار نمی شود. «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ» مقصود از میسر مثل خمر، یک عین خارجی است. اجتنبوا هم می گوید از آلات قمار اجتناب بکن اما اگر با غیر این ها بخواهد بردو باختی بکند از آیه بیرون است.

سؤال: ممکن است میسر عنوان مشیر باشد؟

آلات قمار که نمی شود به عنوان مشیر باشد، ممکن است کسی بعد تنقیح مناط و این ها را بگوید، ولی اینجا این تفاوت وجود دارد که اگر میسر را به معنای آلات قمار بگیریم در این صورت شامل بازی با غیر آلات قمار که بردو باخت هم احیاناً در آن هست نمی شود، بازی ای که متعلق به آلات قمار نباشد از مفاد آیه خارج است چه بردو باخت باشد، یا نباشد.

آن چیزی که آیه اینجا می فرماید این است که این ها رجس است، فاجتنبوا، اما در این رجس، نکته ای وجود دارد باید ببینیم که چقدر می شود از آیه استفاده کرد؟ این را تمام بکنم ببینیم. این در صورتی است که به معنای آلات بگیریم.

۲- اما اگر به معنای آلات نگیریم، میسر را به معنای همان عمل قمار بگیریم:

- ممکن است ادعایی بشود که این شمول دارد و بردو باختی که با آلات نیست را هم در بر می گیرد.
- و ممکن است که کسی قائل بشود به اینکه آن دو احتمال، اینجا هم سرنوشت ساز است چطور آن دو احتمال در بحث دهم سرنوشت ساز بود اینجا هم بگوییم آن دو احتمال در بحث بازی با غیر آلات قمار که بردو باخت در آن هست، سرنوشت ساز است. به این بیان که:

اگر احتمال شمول میسر به معنای آلات قمار بگیریم اینجا ربطی به آن ندارد اگر به معنای عمل قمار بگیریم، می تواند شامل اینجا بشود، این حرفی است که ممکن است کسی در اینجا بزند اما هریک از دو طرف قضیه قابل



مناقشه و بررسی مجددی هست. اگر میسر را به معنای عمل القمار بگیریم، شامل اینجا هم می‌شود چون آلات در آن مأخوذ نیست.

اگر میسر را به معنای آلات القمار بگیریم، شامل این بحث نمی‌شود چون این بازی بردو باخت با آلات قمار نیست. این ادعایی است که اینجا شده است اما هر یک از این دو طرف قابل مناقشه است طرف اول که کسی بگوید مسیر به معنای عمل القمار است، عمل القمار که هست در این صورت شامل بردو باختی که با آلات قمار هم نیست می‌شود. ممکن است کسی این را مناقشه بکند بگوید که میسر به معنای عمل القمار است اما عمل القمار با آلات قمار، مفهوم میسر این است که حتی آن احتمال اول هم که می‌گوید عمل، عمل با آلات قمار را می‌گوید نه مطلق عمل القمار، ممکن است کسی این‌طور بگوید و علی‌رغم اینکه میسر به معنای عمل و فعل قمار است ولی در عین حال منظور، فعلی است که با آلات و ادوات خاصی است و این احتمال هم امر مستبعدی نیست. چون این آلات القمار در روایات در اقوال لغویین آمده است اطمینانی نیست که میسر در مطلق بردو باخت بکار می‌رود ولو آلات خاصه‌ای نباشد، این احتمال در آن هست. این طرف مقابل یک مناقشه‌ای است. احتمال بعدی که بگوییم میسر به معنای آلات قمار است، این‌ها خیلی روشن می‌گفتند که دلیل اینجا را شامل نمی‌شود ممکن است کسی بگوید باینکه، آلات قمار نیست ولی از این طرف بردو باخت هست، درست است که لفظ آیه این را نمی‌گیرد اما با نوعی تنقیح مناط می‌شود آیه شامل بردو باخت بشود برای اینکه وقتی آیه بازی با آلات قمار همراه با بردو باخت را منع می‌کند، آن چیزی که از نظر عرفی ملاک هست همان بردو باخت مسئله است و الا اگر آن نباشد ابزار و ادوات، موضوعیتی ندارد. علاوه بر این نکته‌ای که ایشان می‌گویند خودش مطلبی است ممکن است کسی بگوید که آیه شریفه، اینجا صغرا و کبرا درست کرده است، می‌فرماید که «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ». در واقع می‌گویند این‌ها رجس است قاعده هم این است که يجب الاجتناب عن کل رجس، پس باید از این اجتناب بکنید، آیه این‌طور است صغرا و کبرای شکل اول است منتهی کبرای آن محذوف است یعنی می‌گویند این‌ها رجس‌اند، فاجتنبوه، اینجا یک کبرایی را محذوف داریم یعنی «هذه من الرجس و کل رجس يجب عن یجنب عنه فاجتنبوه»، در این صورت می‌گوییم در حقیقت یک قاعده کلی در آیه هست که این‌ها را می‌گیرد و آن رجسیت است که در این می‌شود صورت رجسیت را هم به عمل، هم به فعل ارتباط داد یکی هم خود قمار است ولو با آلات قمار نباشد که می‌شود بگوییم رجس است این را می‌شود گفت. ان شاء الله در آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» این بحث را بررسی می‌کنیم که باطل هم نوعی پلیدی است.



دو احتمال در اینجا گفتیم اما تکمیل این بحث مقامات که الان مقام اول را بحث می‌کنیم، انشاء الله در مقام دوم و سوم که بحث‌های آینده است به آن خواهیم پرداخت و لذا این در حد طرح مبحث بود چون ممکن است آیه را جدا بحث بکنیم، بدانیم که ذیل آیه، یک چنین بحثی هم قابل طرح است. این بحث‌هایی است که در آیه مطرح بود. البته ما اگر بحث تفسیری در آیه داشتیم، نکات دیگر هم مطرح می‌کردیم، ولی چون اینجا نگاه فقهی داریم حدود دوازده بحث در ذیل آیه بود که ملاحظه کردید.

آیات بعدی یکی «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» است یکی هم «اجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ»، با توجه به روایاتی که ذیلش آمده است، دو آیه بحث کردیم دو آیه دیگر هم در آینده آن را بحث خواهیم کرد.

((و صلى الله على محمد و اله الطاهرين))